فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هشتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۱۸۶-۱۵۹ Vol 3. No 28. 2019, p 159-186
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مسئولیت بین المللی ترکیه ناشی از اجرای پروژه گاپ با تاکید بر حقوق بین‌الملل محیط زیست

علی رضائی[۱]. عسکر جلالیان[۲]

۱. نویسنده مسئول. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب. ایران
rezai163@yahoo. com

۲. استاد راهنمای دانشجو. دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور. ایران
dr_ajalalian@yahoo. com

چکیده

در خصوص اجرای پروژه گاپ توسط دولت ترکیه و خسارات شدید آن بر محیط‌زیست و تاثیر مستقیم آن بر حیات اقتصادی و اجتماعی منطقه، این سوال مطرح است که چگونه می‌توان مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه را احراز و اثبات نمود؟ بنابراین پژوهش حاضر که از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی و با هدف بررسی امکان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه ناشی از اجرای پروژه گاپ انجام شد.

با وجود اینکه معاهدات و قواعد بین‌المللی اختصاصی در خصوص منع احداث سدهای غیراصولی و مخرب وجود ندارد، اما مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه ناشی از اجرای پروژه گاپ از طریق عرف بین‌المللی، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست مندرج در کنوانسیون های بین المللی، رویه قضایی و طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال منع نشده قابل احراز و اثبات است. اقدامات یک جانبه دولت ترکیه که موجب خسارت شدید به دیگر کشورهای حوزه شود، براساس اصول استفاده منصفانه و معقول از آبراه، عدم آسیب‌رسانی جدی، همکاری و الزام به حفاظت و پیشگیری از وقوع خسارت فرامرزی، ارزیابی آثار زیست‌محیطی و اطلاع‌رسانی قبلی، مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه را به دنبال خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل، محیط زیست، ترکیه، گاپ.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

وقوع انقلاب صنعتی، گسترش صنایع و افزایش سریع جمعیت موجب دخالت‌های روزافزون بشر در محیط‌زیست و بروز پی در پی بحران‌های زیست‌محیطی از جمله در حوزه‌های آبریز رودخانه‌های بین‌المللی شده است (۱۳۹۵/۲۴:ص۲۷۴). در سال‌های اخیر دستیابی به منابع آب به شکل یک نگرانی عمده جهانی درآمده است؛ به طوری که روز به روز بر شمار احداث و بهره برداری از طرح های توسعه منابع آب در دنیا افزوده می شود. براساس آمار کمیسیون جهانی سدهای بزرگ[1] تا اواخر سال ۲۰۱۰ حدود ۵۲ هزار سد با ارتفاع بالای ۱۵ متر در جهان احداث شده است (۲۰۱۱/۳۳:ص۸). هر چند گسترش طرح‌های توسعه منابع آب با توجه به روند فزاینده جمعیت امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما ذخیره، تنظیم و برداشت بالای منابع آب رودخانه‌ها سبب برهم ریختن رژیم طبیعی جریان آب در بخش اعظمی از سیستم‌های حوضه آبریز رودخانه‌ها، تغییر ساختار و فرایندهای لازم جهت حفظ اکوسیستم‌های طبیعی وابسته به رودخانه، ایجاد مانع جهت حرکت مواد و همچنین تبادلات طولی و عرضی و کاهش ارتباطات بین زیست بوم‌ها، اختلال در فعالیت‌های حیاتی موجودات آبزی مانند تولید مثل، مهاجرت و. . . ، تهاجم گونه‌های غیربومی و در نتیجه تهدید گونه‌های بومی و تغییر جوامع غالب رودخانه‌ای، تغییر در کیفیت آب و خصوصاً بیابان‌زایی می‌شود (۲۰۰۲/۴۰:ص۴۵۵). همه این تغییرات با تاثیر بر زیست‌بوم‌ها، کشاورزی، آبیاری، ماهیگیری و فرصت‌های کشتیرانی، بر حیات جوامع ساحلی تاثیر می‌گذارد (۲۰۰۷/۴۱:ص۲۴۱). در این میان تنش‌های مربوط به تعیین رژیم بهره‌برداری و یا تعیین حاکمیت در رودخانه‌های فرامرزی یا بین‌المللی نیز همواره به عنوان یکی از مهمترین مسائل و مشکلات دولت‌ها با یکدیگر بوده است (۱۳۹۵/۲۶:ص ۱۶۰).

در حوزه جنوب غرب آسیا دو رود بزرگ دجله[2] و فرات[3] را می‌توان به نوعی دو شریان حیاتی برای توسعه و تداوم حیات در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و جنوب غرب ایران، کویت و قسمتی از سرزمین عربستان قلمداد نمود. اگرچه تا سال ۱۹۷۷ سدها و کانال‌های آبیاری متعددی در حوزه آبخیز دجله و فرات در ترکیه، عراق، سوریه و ایران ساخته شده است، اما براساس گزارش‌های سازمان ملل این روند در سه دهه اخیر به شدت افزایش یافته و براساس همین گزارش‌ها، دولت ترکیه بیشترین سهم را در سدسازی و مسدودکردن جریان آب دجله و فرات و به عبارتی بروز خشکی در منطقه میان رودان داشته است. این موضوع باید برای ایران به عنوان کشور متضرر ثالث و باثبات از اهمیت بالایی برخوردار باشد، زیرا بخش زیادی از گرد و غبار در غرب و جنوب غرب کشور ناشی از خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها در جنوب عراق و همچنین زمین‌های بادیهٔ الشام در جنوب شرق سوریه است و این امر پیامدهای زیست محیطی و

1- International Commission on Large Dams.
2- The Tigris.
3- The Euphrates.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بهداشتی فراوانی را برای سکنه استان‌های مرزی ایران در پی خواهد داشت که در صورت عدم کنترل و مدیریت صحیح آن به مرکز ایران نیز کشیده خواهد شد (۱۳۹۴/۲۲:ص۹).

شکی نیست که دولت ترکیه از سیاست آبی در پروژه‌ی عظیم گاپ[4]در حوزه سدسازی در جنوب شرقی آناتولی هم برای قدرت نمایی داخلی و کنترل کردهای مبارز کردستان ترکیه استفاده می‌کند و هم برای اعمال فشار و امتیازگیری از همسایگان نفت خیز بهره می‌برد که تحلیل گران از آن به عنوان «نوعثمانی گری» دولت اردوغان یاد می‌کنند. در این میان ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و پیشرو از لحاظ تاریخی در خاورمیانه ضروری است با بهره‌گیری از واقعیت‌های مخرب توسعه ی خودخواهانه منابع آب ترکیه و تاثیرگذاری آن بر زیست بوم منطقه و حیات محیط‌زیستی با این نقش ترکیه برخورد فعالانه و نه منفعلانه را در پیش گیرد. در این بین علاوه بر مذاکره و دیپلماسی فعال، با بسیج تمام ظرفیت‌های حقوقی از جمله انجام مطالعات تخصصی همه‌جانبه در حوزه مسئولیت بین‌المللی و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، راهی است که ما را در دستیابی به یک برنامه راهبردی برای مقابله با معضلات ناشی از توسعه یکجانبه نگر این کشور همسایه یاری می‌نماید. در این راستا سوال اصلی و اساسی این پژوهش چگونگی احراز و اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه در رابطه با اجرای پروژه گاپ بر اساس اصول و قواعد حقوق بین الملل محیط‌زیست است. پژوهش حاضر که از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی و با هدف احراز و اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه در ارتباط با پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از اجرای پروژه گاپ و تبیین وضعیت حقوقی رودخانه‌های دجله و فرات علیرغم تاکید دولت ترکیه بر حاکمیت مطلق آن دولت بر آنها انجام شد. به همین جهت، در این مقاله ضمن بررسی حقوق آبراهه‌های بین المللی و حقوق مسئولیت بین‌الملل و نحوه شکل‌گیری مسئولیت در خصوص مسایل زیست محیطی و تحولات ایجاد شده در مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی و پیامدهای آن در نهایت به احراز و اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه بر دو مبنای مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهدات و بروز خسارات فرامرزی گسترده در ارتباط با پروژه گاپ پرداخته شد.

۱- نظریه محدودیت دولت ها در اعمال حقوق خود

اجتماع دولت‌ها و برقراری نظم نسبی آنگاه می‌تواند تحقق یابد که اعضای این اجتماع (دولت ها) به نحوی حقوق خود را اعمال نمایند که موجب اضرار به دیگران نشود. از آن هنگام که دولت‌ها چنین محدودیتی در اعمال حقوق خود را پذیرفتند، اجتماع دولت‌ها نیز شکل گرفت. کنفرانس ۱۶۴۸ وستفالی با خلق اصولی چون تساوی حاکمیت‌ها و عدم دخالت دولت‌ها در امور یکدیگر به طور کلی قابلیت اعمال نظریه یاد شده در روابط فیمابین دولت‌ها را مورد تصدیق قرار داد (۱۳۸۹/۱۶:ص۱۲۴). توسعه فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در کشورها پس از انقلاب صنعتی ضرورت اعمال و اجرای نظریه محدودیت دولت‌ها

4- Güneydoğu Anadolu Projesi, (GAP) -Southeast Anatolia Development Project.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

در اعمال حقوق یا مسئولیت آنها در پیشگیری زیان ناشی از اعمال حق خود را بیش از پیش اشکار ساخت (۱۹۸۰/۳۷:ص۲۵۶). در دهه ۱۹۳۰، داوران رسیدگی کننده به اختلاف بین کانادا و ایالات متحده نظریه یاد شده را به عنوان اصلی قابل اعمال در روابط فیمابین دولت‌ها تلقی کرده و چنین اظهار داشتند: «هیچ دولتی حق ندارد به نحوی از سرزمین خود استفاده کرده یا اجازه استفاده از آن را به دیگری صادر نماید که موجب زیان به سرزمین، اموال و اشخاص دولت دیگر گردد...» (-/۱۹۴۹:ص۳). رای دادگاه داوری در این قضیه برای نخستین بار یک اصل شناخته شده در نظام‌های حقوق ملی را به عرصه نظام حقوق بین‌الملل انتقال داده و قابلیت اعمال آن در روابط فیمابین دولت‌ها را مورد تایید قرار داد. همین طور رای دادگاه در این قضیه، زمینه انتقال یا تبدیل فرضیه یا نظریه محدودیت دولت‌ها در اعمال حقوق قانونی خود به یک اصل حقوقی را فراهم آورد. بعدها اصل اعلام شده توسط دادگاه داوری در قضیه کارخانه ذوب از سوی محاکم بین المللی قضایی و داوری در قضایای کانال کورفو، [5]دریاچه لانو[6]و مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای[7]مورد تایید قرار گرفته و با عبارات دیگری تکرار شد. معاهدات و اسناد بین‌المللی دیگر نیز اصل یاد شده را در مقررات خود مورد تایید و تاکید قرار دادند (۱۳۸۹/۱۶:ص۱۲). در سال۱۹۷۲، اعلامیه نهایی کنفرانس محیط‌زیست استکهلم اصل محدودیت دولت‌ها در اعمال حقوق یا مسئولیت آنها در پیشگیری زیان‌های ناشی از اعمال حقوق یا انجام فعالیت‌های قانونی خود را این چنین مورد تایید قرار داد: «دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمه مبنی بر بهره‌برداری از منابع خود به موجب سیاست‌های زیست‌محیطی شان می‌باشند و مسئولیت دارند تضمین کنند که فعالیت آنها در چارچوب صلاحیت و کنترلشان موجب خسارت به محیط زیست دیگر دولت ها یا مناطق فراتر از حدود صلاحیت ملی شان نگردد». بیست سال بعد، اعلامیه نهایی کنفرانس ریو راجع به محیط‌زیست و توسعه اصل مندرج در اعلامیه استکهلم را مورد تایید و تاکید قرار داد (۱۳۹۶/۱۷:ص۸۹). هرچند برخی از حقوقدانان اصل محدودیت دولت‌ها در اعمال حقوق قانونی یا مسئولیت آنها در پیشگیری از زیان‌های ناشی از اعمال حق خود را رد کرده‌اند، [8]با این وجود اصل مزبور امروز مورد قبول اکثریت حقوقدانان بین‌المللی است و همان طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مشروعیت کاربرد سلاح های اتمی اعلام کرده است، بخشی از مجموعه حقوق بین‌المللی محیط زیست محسوب می‌شود. محیط زیست چه درحوزه ملی و چه در حوزه بین‌المللی و جهانی گره تنگاتنگی با زیست و حیات بشری دارد و به هر اندازه که مورد تعرض و تخریب قرار گیرد، ادامه زیست بشری را دچار اختلال می نماید (۱۳۹۵/۳:ص۲۲).

5- The Corfu Channel Case.

6- The Lake Lanoux Case.

7- The legality of the threat or use of nuclear weapons case.

۸ - دکترین هارمون از کشور آمریکا که ایالات متحده آمریکا تا سال ۱۹۶۰ پای بند آن بود و هرگونه محدودیت دولت ها در اعمال حقوق خود در استفاده غیرکشتی رانی از رودخانه ها را رد کرده است. نک. به: **Yearbook of International law Commission , 1980 , Part , II, P. 257**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین الملل

در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تعریفی قانونی بر مبنای کنوانسیون بین‌المللی لازم الاجرا وجود ندارد. در عین حال دکترین آن را یکی از اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل و حاصل ارتباط متقابل دو اصل حقوقی «وفای به عهد» و «لاضرر» در عرصه بین‌المللی می‌داند که بر اساس آن دولت مرتکب نقض تعهد بین‌المللی که اسباب ضرر و زیان را به دیگر دولت‌ها و یا اتباع آنها فراهم می‌آورد، در برابر آنها مسئول جبران خسارت خواهد بود. به علاوه مسئولیت بین‌المللی را برخی زائیده اصل حاکمیت و اصل برابری دولت‌ها و برخی دیگر پیامد بلاواسطه وجود حقوق و تکالیفی در نظام بین‌المللی توصیف می‌کنند (۱۳۹۱:۱۱/۳۰). در حقوق، مسئولیت عبارت است از تکلیف قانونی شخص به رفع ضرری که به دیگری وارد آمده است (۱۳۸۷/۴:ص۲۳) و در حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها عبارت است از تکلیفی که به موجب حقوق بین‌الملل به یک دولت تحمیل می‌شود تا خسارات وارده به دولت دیگر ناشی از عمل یا خودداری از انجام تکلیف جبران کند (۱۳۷۵/۲:ص۸۵).

ماده ۱ پیش‌نویس مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ راجع به «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی»[9] بیان می‌کند: «هر عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی از سوی یک دولت، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به دنبال دارد» و اجرای مسئولیت بین‌المللی زمانی امکان‌پذیر است که قاعده حقوق بین‌الملل نقض شده باشد. لذا لازم است که در سطح بین‌الملل عمل نامشروعی (نادرستی) صورت گرفته باشد (۱۳۷۵/۱۰:ص۸۵). در حقوق بین الملل، مسئولیت دولت‌ها انواع مختلفی دارد ولی دو نوع از آن توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. نخستین نوع آن، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض تعهد که در دسامر ۲۰۰۱ به صورت طرحی جامع در قالب ۵۹ ماده به همراه توضیحات تفصیلی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد رسید و نوع دیگر، مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال اعمال منع نشده است که دستاورد آن تصویب موقت پیش نویس طرحی ۲۰ ماده‌ای در این باره می باشد (۱۳۹۲/۳۱:ص۳۳).

۱-۲- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض تعهد(اعمال متخلفانه)

منظور از این نوع مسئولیت، مسئولیتی است که در اثر نقض ضوابط و قواعد حقوق بین‌الملل برای دولت‌ها ایجاد می‌شود. به بیان دیگر واژه Responsibility در ارتباط با اعمال خلاف حقوق بین‌الملل به کار می‌رود. این عمل متخلفانه بین‌المللی دولت ممکن است شامل یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد (۱۳۹۴/۱:ص۲۵). اما اینکه تحت چه شرایطی فاعل یک عمل زیان‌آور باید خسارات ناشی از فعل یا ترک فعل خود را جبران کند، مسئله‌ای است که به مبنای مسئولیت در نظام حقوقی ذیربط باز می‌گردد. دانشمندان حقوق بین‌الملل در مورد مبنای مسئولیت بین‌المللی نظریات متفاوتی ابراز داشته‌اند

9 Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

(۱۳۹۴/۷:ص۴۲۶). [در واقع] اساس بحث این است که آیا عمل یا خودداری از عمل مخالف حقوق بین‌الملل منتسب به یک کشور و یا سازمان بین‌المللی برای تحقق مسئولیت بین‌المللی کافی است یا اینکه باید خطاء یا تقصیر متخلف نیز ثابت گردد تا مسئولیت بین‌المللی او محرز شود. در مجموع مبناء و منشاء مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد، موضوع دو نظریه بنیادین است: یکی نظریه خطاء یا مسئولیت ذهنی و دیگری نظریه خطر یا مسئولیت عینی (۱۳۹۵/۲۳:ص ۱۰۸). البته در کنار پذیرش یکی از این دو نظریه، نظریه جدیدی نیز در حقوق مسئولیت بین‌المللی مطرح است و آن نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده طبق حقوق بین‌الملل است (۱۳۹۴/۷:ص ۴۲۶).

طبق نظریه خطاء یا مسئولیت ذهنی، وجود مسئولیت بین‌المللی ناشی از عمل خطای یک تابع حقوق بین‌الملل است. بدین ترتیب که انجام هر عملی یا خودداری از عمل مخالف مقررات بین‌المللی به تنهایی برای پایه‌گذاری مسئولیت بین‌المللی کافی نیست، بلکه باید خطاء یا سهل انگاری نیز صورت گرفته باشد تا مسئولیت محقق شود (۱۳۹۴/۷:ص ۴۲۶). با توجه به فقدان رکن اجرایی موثر در حقوق بین‌الملل و با عنایت به اراده کشورها در پذیرش اصل عدم مداخله، دیگر نمی توان نظریه کلاسیک خطاء را در حقوق بین‌الملل مانند حقوق داخلی پذیرفت. مسئولیت بین‌المللی باید بر پایه ای استوار پی‌ریزی گردد تا هیچ تابعی از تابعان حقوق بین‌الملل نتواند با توسل به عنصر خطاء و اثبات فقدان آن از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. بنابراین مبنای مسئولیت بین‌المللی را فقط باید در نظریه جدیدی پذیرفت که آن را نظریه خطر یا مسئولیت عینی می‌گویند که طبق آن هرگونه قصور نسبت به یک قاعده حقوقی بین‌المللی (عرفی یا معاهده‌ای) موجب مسئولیت بین‌المللی می‌گردد، خواه متضمن عنصر خطاء باشد یا نباشد. طبق این نظریه، مسئولیت بین المللی دارای خصیصه کاملاً عینی و غیرشخصی است که بر نظریه ضمان استوار است. عقیده‌ای که مفهوم شخصی خطاء در آن هیچ گونه نقشی ندارد. به بیان دیگر تنها کافی است که عمل ارتکابی برخلاف مقررات و تعهدات بین‌المللی باشد، تا مسئولیت محرز گردد و دیگر تحقیق در مورد تقصیر یا عدم تقصیر مرتکب لزومی ندارد (۱۳۹۴/۷:ص ۴۲۷). در پیش‌نویس ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها، کمیسیون حقوق بین‌الملل از به کاربردن دو لفظ خطاء و خطر امتناع نموده است ولی می‌توان گفت که به استناد ماده ۲ و سیاق تمامی مواد این پیش نویس، کمیسیون به نظریه خطر تمایل بیشتری نشان داده است. در مورد اهمیت این دو نظریه باید اظهار داشت که در عرصه بین‌المللی هرکدام از این دو تئوری دارای طرفداران و مخالفانی هستند و قضات و داوران بین‌المللی در آراء خود در قضایای مطروحه به هر دو نظریه استناد کرده‌اند و براساس آن آراء خود را صادر نموده‌اند. پس به نظر می رسد که باید به این آزادی عمل قائل شویم تا براساس اوضاع و احوال حاکم بر قضیه هرکدام از این دو نظریه مورد استفاده قرار بگیرند (۱۳۹۵/۲۳:ص ۱۰۹).

اما احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در نقض تعهد شرایطی دارد. به موجب ماده ۲ پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱، «عمل متخلفانه بین‌المللی دولت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

زمانی محقق می‌شود که رفتار متشکل از فعل یا ترک فعل به موجب حقوق بین‌الملل به دولت قابل انتساب بوده و نقض یک تعهد بین‌المللی دولت را موجب شود». در این ماده کمیسیون حقوق بین‌الملل ارکان و عناصر مسئولیت بین‌المللی را قابلیت انتساب و نقض تعهد لازم الاجرا بر شمرده است. به عبارت دیگر کمیسیون برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت، ترکیب دو عنصر ذهنی و عینی را لازم می‌داند. دیوان در آراء متعددی مسئله قابلیت انتساب عمل متخلفانه به دولت خوانده را بررسی نموده است (۱۳۸۵/۲۸:ص۱۱۲). سایر عناصر هرچند ممکن است بر مصادیق زیادی حمل شود، ولی عنصر لازم و ضروری هرعمل متخلفانه‌ای نیست. ظاهر ماده ۲ تقدم و اولویت عنصر قابلیت انتساب بر نقض تعهد را نشان می دهد. تقدم و تأخر اثبات این عناصر، مبنایی کاملاً عقلی و منطقی دارد، زیرا تعهد معیار ارزیابی رفتار عینی متعهد است. همچنین نقض تعهد بین‌المللی احراز نخواهد شد، مگر آنکه قبلاً ادعایی به متعهد منتسب شده باشد (۱۳۸۴/۵:ص۱۰۲). با این وجود نظم منطقی اثبات عناصر متخلفانه بین‌المللی نظمی خشک و انعطاف‌ناپذیر نیست، بلکه با توجه به شرایط و اوضاع و احوال هر پرونده می‌تواند جلوه‌هایی متفاوت یابد (۱۳۸۴/۵:ص۱۰۳). در این میان قواعد مسئولیت بین‌المللی به عنوان قواعد کلی بر همه تعهدات بین‌المللی دولت، خواه تعهدات مبتنی بر قواعد عرفی بین‌المللی، خواه معاهده ای و یا تعهدات مطروحه براساس اصول کلی قابلیت اعمال دارد. دولت‌ها همچنین ممکن است بر اساس عمل یک جانبه و یا بر اساس یک رای صادره از سوی مراجع قضایی بین‌المللی متعهد گردند (۱۳۹۱/۳۰:ص۲۶).

۲-۲- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال منع نشده (مشروع)

برخلاف نظریات کلاسیک خطاء و خطر که به موجب آنها الزام به جبران خسارت خصوصیت ثانوی، فرعی و با واسطه دارد، در نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده، ترمیم یا جبران خسارت یک تعهد اولیه بوده و منوط به تحقق قبلی یک عمل خلاف بین‌المللی نیست. به بیان دیگر طبق این نظریه، صرف ورود خسارت از سوی یک کشور به کشور دیگر برای ایجاد مسئولیت [کافی] است، هرچند رفتار یا عملی که صورت گرفته از دید حقوق بین‌الملل مجاز بوده باشد. این نظریه متاثر از پیشرفت‌های علمی و فناوری معاصر است که حقوق بین‌الملل را به انطباق با شرایط جدید واداشته است. مخصوصاً شدت خسارات فرامرزی که ممکن است برخی از فعالیت های مشروع و مجاز کشورها برای بشریت و محیط زیست پیش آورد، زمینه ایجاد این نظریه را فراهم ساخته است. با این تفاصیل این نوع مسئولیت (Liability) مربوط به اعمالی است که انجام آن در حقوق بین‌الملل منع نشده است. کمیسیون در سال ۲۰۰۱ «طرح مواد راجع به پیشگیری از آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک» و در سال۲۰۰۶، «طرح مواد راجع به جبران چنین آسیب‌هایی» را تصویب کرد (۱۳۹۴/۷:ص۴۲۹). علاوه بر اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل نظریه مسئولیت برای اعمال منع نشده مورد پذیرش ضمنی طرح مواد راجع به مسئولیت کشورها و برخی از معاهدات بین‌المللی قرار گرفته است و از طرفی باتوجه به اینکه در اکثر نظام‌های حقوقی این نوع مسئولیت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شناخته شده است، شاید بتوان آن را یک اصل حقوقی نیز قلمداد نمود (۱۳۹۴/۷:ص۴۳۰). لذا این نوع مسئولیت غالباً واکنش به فجایع بزرگ است و در واقع این نظریه به دنبال یافتن شایسته‌ترین فرد برای جبران زیان‌های وارده است. به موجب این نظریه هرکس به فعالیتی بپردازد، محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می شود، باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند. به این ترتیب مبنای مسئولیت مدنی، مکافات تقصیر نیست؛ عوض سودی است که شخص از فراهم آوردن محیط خطرناک می برد(۱۳۷۴/۸:ص۱۴). احراز مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خصوص اعمال منع نشده منوط به اثبات وقوع خسارت فرامرزی شدید، صلاحیت یا کنترل دولت بر فعالیت و لزوم احراز وجود رابطه سببیت بین فعالیت و دولت مربوطه است.

۳- پیامدهای مسئولیت بین‌المللی دولت ها در خسارات وارده به محیط زیست

گرایش نوین فکری و عمل در جامعه معاصر مبتنی بر مسئولیت در برخی زمینه‌ها حتی بدون وجود شرط تخلف از قاعده است. اصل این است که خسارات ناشی از نقض حقوق باید توسط شخص متخلف جبران شود و التزام حقوقی شخص مذکور در این راستا، همان مسئولیت است (۱۳۸۹/۶:ص۲۰۱). بنابراین در حوزه حفاظت از محیط‌زیست در صورت نقض قواعد و اصول بین‌المللی و آلوده کردن محیط‌زیست دولت دیگر، دولت‌ها ملزم به جبران خسارات زیست‌محیطی براساس قواعد عام مسئولیت بین‌المللی به عنوان اصل مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست هستند، آن گونه که اصل ۲۲ و ۱۳ اعلامیه استکهلم۱۹۷۲ و ریو ۱۹۹۲دولت‌ها را به همکاری برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارات برای قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست‌محیطی فرا می‌خواند. بنابراین اثر مسئولیت بین‌المللی زیست‌محیطی این است که چنانچه یکی از تابعان حقوق بین‌المللی بویژه دولت‌ها یک قاعده حقوقی یا یک تعهد بین‌المللی را نقض کند، وظیفه دارد آثار و زیان‌های ناشی از این نقض تعهد را جبران کند (۱۳۹۵/۲۳:ص۱۱۴).

٤- خسارت فرامرزی

خسارت فرامرزی می‌تواند از طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها ناشی شود که در یک کشور به اجرا در می‌آید، اما در قلمرو دیگری عوارض جانبی ایجاد می‌کند. به طور معمول خسارت فرامرزی به خسارتی اشاره دارد که از طریق زمین، آب یا هوا در روابط بین دولت‌ها ایجاد می‌شود. در حقوق بین‌الملل محیط زیست چنین خسارتی اغلب با عنوان آسیب یا خسارات زیست محیطی بین‌المللی شناخته می‌شود. از آنجا که اصطلاح «محیط زیست» با چنین معانی گسترده‌ای تکامل یافته است، خسارات فرامرزی به چهار عنصر محدود شده است:

الف) رابطه فیزیکی بین فعالیت و خسارت،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ب) علت و معلول انسان،
ج) آستانه مشخصی از شدت که مستلزم اقدامات قانونی است،
د) حرکت فرامرزی تاثیرات مخرب (۲۰۰۳/۳۲:ص۳۴).

۵- آبراه بین‌المللی

نظریه بین‌المللی کردن رودخانه‌ها برای اولین بار توسط گروسیوس و واتل ابراز گردید. قبل از آن زمان کلیه رودخانه‌ها را داخلی و تحت حاکمیت سرزمین کشورهای کناره آن می دانستند (۱۳۹۴/۷:ص۳۷۶)، چنانکه قبل از کنگره وین ۱۸۱۵ نیز حاکمیت بر رودها مطلق بود و به منافع سایر دولت‌ها توجه نمی‌شد. در عهدنامه صلح ورسای ۱۹۱۹ واژه رودهای بین‌المللی برای اولین بار جایگزین واژه رودهای چند سرزمین شد (۱۳۶۷/۹:ص۴۵). این عهدنامه در ماده ۳۳ تعریفی از رودخانه بین‌المللی به دست داده است. به موجب این ماده رودخانه‌ی بین‌المللی، رودخانه‌ای است که قابل کشتیرانی بوده و بیش از یک کشور را به آب آزاد مرتبط می‌نماید. در۲۰ آوریل ۱۹۲۱در شهر بارسلن کنفرانس مهمی برگزار شد (کنفرانس بارسلن). این کنفرانس که بنا به دعوت جامعه ملل و در چارچوب معاهده ورسای منعقد شد، نقش بزرگی در تدوین و گسترش رژیم حقوقی کشتیرانی رودها داشت. کنفرانس بارسلن دارای یک پروتکل و دو اساسنامه بود. بر اساس همین نظام هر رودی که با ضوابط و ویژگی‌های موجود در معاهده فوق مطابقت می نمود «رود بین‌المللی» نامیده می‌شد و مشمول مقررات معاهده می‌گردید. معاهده بارسلن به جای اصطلاح متعارف «رود بین المللی»، اصطلاح «آبراه‌های قابل کشتیرانی حائز اهمیت بین‌المللی» را به کاربرد.

براساس بند اول ماده یک کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ درباره حفاظت و بهره برداری از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، «آب‌های فرامرزی به هر آب سطحی یا زیرزمینی اطلاق می‌گردد که مرزهای میان دو یا چند دولت را نشانه‌گذاری و از آنها عبور یا روی آنها واقع شده باشد؛ هرجا که آب‌های فرامرزی به طور مستقیم به دریا می‌ریزند، در نهایت یک خط مستقیم در مقابل دهانه‌های مربوطه بین نقاطی از خط فرود آب در پایانه‌های آنها خاتمه می‌یابند.» مطابق کنوانسیون مربوط به حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی نیویورک ۱۹۹۷، «آبراه بین‌المللی، آبراهی است که بخش‌های از آن در کشورهای مختلف قرار گرفته است» و این تعریف آبراه، هردو گروه آب‌های سطحی و زیرسطحی که بخاطر ارتباط فیزیکی شان با جامعیتی واحد شکل می‌گیرد و طبیعتاً در مسیری مشترک جریان می‌یابد را در برمی‌گیرد. این تعریف شامل آب‌های زیرزمینی در ارتباط با آب‌های سطحی می‌شود و شامل آب‌های زیرزمینی فرامرزی بدون ارتباط با آب‌های سطحی نمی‌شود (۱۳۸۹/۱۵:ص۱۲۸). در تعریفی که گاریتسو[10]از رودخانه بین‌المللی به دست آورده است، موید این امر است که رودخانه‌ی بین‌المللی، رودخانه‌ای است که از سرزمین بیش از یک کشور می‌گذرد و یا رودخانه‌ای است که سرزمین دو کشور را از یکدیگر جدا

10Gareetso.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

می‌کند و حاکمیت دولت‌ها بر این رودها مشترک است. براساس این تعریف و تقسیم بندی، رودخانه‌های بین‌المللی تحت حاکمیت انحصاری یک دولت قرار ندارد، اگر چه قابلیت کشتیرانی را هم نداشته باشد. در حقوق بین‌الملل بین رودخانه‌ی مجاور و رودخانه‌ی پیاپی فرق حقوقی وجود ندارد و مقررات حقوق بین‌الملل در مورد این دو دسته از رودخانه‌ی بین‌المللی یکسان است (۱۳۵۷/۲۹:ص۱۷). با این تفاصیل با توجه به خصیصه «فرامرزی بودن» آبراه‌های بین‌المللی به منزله وجود و اعمال حاکمیت دو یا چند کشور است که می‌بایست خارج از قلمرو ملی و در حوزه بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرند، از این رو در حقوق بین‌الملل کنوانسیون های متعددی این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند (۱۳۹۲/۱۴:ص۸۸).

٦- پروژه گاپ و پیامدهای سوء زیست محیطی ناشی از آن

گاپ یکی از بزرگترین طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای در خاورمیانه است. این پروژه ۳۲ میلیارد دلاری که درسال ۱۹۷۷ در جنوب شرق ترکیه شروع شد، ۹ استان ترکیه با مساحت ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع را پوشش می دهد و بزرگترین پروژه توسعه در ترکیه و یکی از بزرگترین نوع آن در جهان است، که پس از تکمیل در مجموع ۹۰ سد و۶۰ نیروگاه در آن ساخته خواهد شد (۲۰۰۰/۳۴:ص۱). در حوزه دجله و فرات ابتدا بنا بود این طرح ۳۰ میلیارد مترمکعب از آب این دو رود را از طریق ۲۲ سد در خاک ترکیه ذخیره کند؛ اما در ادامه و با ساخت «سد آتاتورک» که به تنهایی قابلیت ذخیره ۴۸. ۴ میلیارد مترمکعب آب را با سطح دریاچه ۳۳۸ مایل مربع داشت، ابعاد جدیدی از طرح ویرانگر ترکیه نمایان شد (۱۹۹۹/۳۵:ص۹۱). دو رود بزرگ و تاریخی دجله و فرات که در سال‌های نه چندان دور شریان حیاتی توسعه و تداوم حیات در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و جنوب غرب ایران بودند، امروزه تحت تأثیر این پروژه، حجم قابل توجهی از منابع آب خود را از دست داده‌اند تا زندگی میلیون‌ها انسان و محیط‌زیست منطقه با چالشی جدی روبرو شود. کشور ترکیه در چارچوب پروژه‌ای آناتولی جنوب شرقی«گاپ»، فقط با ساخت ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه برق آبی و ۱۳ طرح بزرگ آبیاری روی سرشاخه‌های دجله و فرات ضمن بهره برداری بیش از حد مجاز از منابع آب این دو رود، دوران جدیدی را در شکل‌گیری بحران‌های زیست‌محیطی در کشورهای سوریه، عراق و ایران پایه‌گذاری کرد (۲۰۱۲/۳۶:ص۳۴-۳۲).

با وجود نهایی شدن همه سدها و طرح‌هایی آبی پروژه تا سال ۲۰۰۵، باز نتوانست عطش مقامات سیاسی ترکیه را نسبت به منابع آبی موجود در این کشور که براساس قوانین بین‌المللی از جمله «کنوانسیون حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ سازمان ملل»، حقابه اراضی پایین دست و کشورهای همسایه بود، سیراب کند. مقامات ترک در سال ۲۰۰۶ و در قالب همان پروژه «آناتولی جنوب شرقی، گاپ»، ساخت سد «ایلیسو»[1] را در دستور کار خود قرار دادند؛ سدی که کارشناسان می‌گویند بیش از ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی را تنها در کشور عراق با چالش و بیابانی شدن رو به رو خواهد کرد و

1 The Ilisu Dam.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آرام آرام اراضی کشاورزی و طبیعت کشورهای سوریه، عراق و جنوب غرب ایران را از آن سرسبزی و پویایی تاریخی به بیابانی بی‌آب و علف و کانونی برای وقوع ریزگردها تبدیل می‌کند. این سد که گفته می‌شود عملیات ساخت آن تا سال ۲۰۱۹ ادامه خواهد داشت، دیگر آبی برای کشورهای جنوبی باقی نخواهد گذاشت و به تنهایی منابع کنونی آب در کشور عراق را که البته بسیار کمتر از دهه‌های گذشته است تا یک سوم دیگر کاهش خواهد داد (۱۳۹۴/۲۲:ص ۵). طبق گزارش یونپ، سدسازی و احداث شبکه‌های آبیاری، ۹۰٪ از بزرگترین و زیباترین تالاب‌های خاورمیانه را تبدیل به بیابان و نمکزار کرده است (۱۳۹۱/۱۸:ص ۸۹۱).

مجموعه سدها، نیروگاه‌ها و اراضی جدید کشاورزی که در دهه‌های گذشته در جنوب شرق ترکیه ساخته شد، شرایطی را ایجاد کرد که در کشور عراق و سوریه درگیری‌های قومی و قبیله‌ای بر سر آب شکل بگیرد، فرایند بیابان‌زایی در این کشورها افزایش یابد و بیش از میلیون‌ها هکتار مزارع کشاورزی قابل کشت از بین برود (۲۰۱۲/۳۸:ص۲). نتیجه این رخداد شکل‌گیری ریزگردهایی بود که به وسیله بادهای مدیترانه‌ای به سمت ایران منتقل و سال به سال نیز بر حجم آن افزوده می‌شود. از نکات منفی و مهمی که در مورد طرح «گاپ» می‌توان به آن اشاره کرد اینکه در این طرح‌ها تحت هیچ عنوان ارزیابی‌های زیست‌محیطی به ویژه در کشورهای پایین دست مورد توجه مقامات سیاسی ترکیه نبوده است. دیگر آنکه این طرح بزرگ با حجم گسترده‌ای از خسارات که پدیده ریزگردها، خشک شدن تالاب ها و نابودی کشاورزی در عراق، سوریه و غرب و جنوب غرب ایران و انقراض گونه‌ها تنها بخشی از آن است، از نظر قوانین بین‌المللی نقض صریح حقوق بشر بوده و با قوانین بین‌المللی و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز در تضاد کامل است. ابعاد خسارات زیست محیطی این پروژه آن قدر زیاد است که حتی صدای اعتراض‌های داخلی را نیز در کشور ترکیه در آورده و بسیاری از محافل دوستدار محیط زیست در این کشور را بارها به خیابان‌ها کشانده است، چراکه خسارات این طرح تنها متوجه مردم کشورهای عراق، سوریه و ایران نیست و در خاک ترکیه نیز منجر به زیر آب رفتن بسیاری از آثار باستانی و کوچ اجباری صدها هزار نفر از مردم از جمله کردهای ترکیه شده است. به نظر می رسد ترکیه جدا از اهداف اعلام شده خود در این طرح بزرگ که همان توسعه کشاورزی، گردشگری و اقتصادی جنوب شرق ترکیه است، اهداف نهفته ای چون فشار بیش از حد بر کردهای ترکیه، تغییر ترکیب جمعیتی جنوب شرق ترکیه و نیز ایجاد یک دست برتر ژئوپلیتیکی برای خود در برابر کشورهای جنوبی را دنبال می کند. با این تفاصیل پروژه گاپ نوعی «توسعه ناپایدار» است که بدون مشاوره با جوامع آسیب‌پذیر شروع و بدون مشارکت محلی ادامه می‌یابد. صدها هزار نفر اکنون آواره شده‌اند، اغلب به زور و به ندرت با جبران کافی خسارت، بسیاری از آنها در مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ به سر می‌برند و قادر به یافتن شغل تمام وقت نیستند و در فقر زندگی می کنند (۲۰۰۴/۴۳:ص ۲۰).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۷-حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی و حفاظت از محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی

حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی و حفاظت از محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی به ترتیب اولویت در استناد شامل اسناد و معاهداتی که منعکس‌کننده وضعیت حقوقی آب های فرامرزی هستند، که عبارتند از: قواعد هلسینکی ۱۹۶۶[۱۲] و سایرقطعنامه‌های موسسه حقوق بین‌الملل و انجمن حقوق بین‌الملل درباره استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، کنوانسیون آب اروپا درباره حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی ۱۹۹۲[۱۳] کنوانسیون سازمان ملل متحده درباره استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی،[۱۴] قواعد برلین درباره منابع آب ۲۰۰۴[۱۵] قواعد عرفی به مانند «استفاده معقول و منطقی از سرزمین» و «ممنوعیت ایجاد عمدی آلودگی فرامرزی و تخریب وسیع محیط زیست»، اصول کلی حقوق بین‌الملل، رویه قضایی، دکترین حقوقی و حقوق نرم است.

اصول کلی حقوق بین‌الملل عموماً از طریق روابط بین‌المللی و به وسیلهٔ رویهٔ قضایی بین‌المللی وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شده است. یکی از علل طرح این اصول، توسعهٔ صنعتی و فناوری کشورهای جهان و صدمه و بروز خسارات فرامرزی جبران ناپذیر به محیط‌زیست بین‌المللی و متعاقب آن شیوع اختلافات بین الدولی است. این موضوع سبب شده است که اصول مورد بررسی از حالت نرم خارج شده و از مسیر مراجع حقوقی بین‌المللی (غالباً) به اصولی مهم و قاعده‌مند تبدیل شوند. شایان ذکر است که بخش اعظم توجه به مسائل محیط‌زیستی و شناسایی اصول مزبور مرهون توجه کشورها به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بین المللی به جای توسل به زور است که خود وامدار پیمان پاریس ۱۹۲۸[۱۶] و منشور ملل متحد است؛ بنابراین نقش راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و به ویژه دیوان‌های داوری و قضایی بین‌المللی در توسعه و بسط حقوق بین الملل محیط‌زیست بی‌بدیل و انکارناپذیر است. به هر روی یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی قرن حاضر بروز و گسترش آلودگی‌های مخرب و فرامرزی و تخریب قابل توجه محیط زیست جهانی است که همچون میراثی گران بها است، در حدی که علاوه بر اسناد مختلف دربارهٔ شناسایی و حتی مسئولیت بین‌المللی کشورها در موارد نقض تعهدات زیست‌محیطی در برابر ورود زیان و انواع آلودگی‌ها بر کشورهای مجاور مسئلهٔ محیط‌زیست بین‌المللی به درجه‌ای از توجه رسیده است که در چارچوب اصل پیشگیری حتی با ضمانت اجرای کیفری، حمایت شده است. [۱۷] با این حال باید اذعان

12-**Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers (ILA, 1966).**

13-**The Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes (UNECE, 1992).**

14-**The UN Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses (ILC, 1997).**

15-**The Berlin Rules on Water Resources, 2004.**

۱۶ - این پیمان به بریان-کلوگ(**Briand-kllog**) هم موسوم است.

۱۷ - نک. به: **Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, Strasbourg, (1998) 4. XI.**

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

داشت که حمایت کیفری از محیط‌زیست هنوز بسیار محدود بوده و اساساً در قلمرو اتحادیهٔ اروپا فعلاً لازم‌الاجرا است. از مهمترین مراجع حقوقی در زمینهٔ محیط زیست که در شرح و بسط و ورود اصول کلی به صحنهٔ بین‌الملل مؤثر بوده‌اند، دیوان داوری بین ایالات متحدهٔ آمریکا و کانادا موسوم به قضیهٔ «تریل اسملتر»، [۱۸]دیوان داوری مربوط به اختلاف اسپانیا و فرانسه به نام قضیهٔ «دریاچه لانو»، [۱۹]دعاوی «گابسیکوو-ناگیماروس»[۲۰]اختلاف بین مجارستان و اسلواکی و «کارخانهٔ خمیرکاغذ »[۲۱]بین آرژانتین و اروگوئه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری هستند که دو اختلاف اخیر، تنها دعاوی ترافعی منجر به حکم در مراجع مزبورند. در پرونده‌های فوق اصول اساسی و بنیادینی شناسایی شده که نقش بسیار ارزنده‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و البته حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات این حوزه و جلوگیری از ظهور جنگ و توسل به زور در عرصهٔ روابط بین‌الملل داشته است. به طور خاص دیوان بین‌المللی دادگستری هرچند وظیفهٔ تدوین مقررات بین‌المللی را ندارد و از طرفی آرای صادره از مرجع مذکور در مرحلهٔ صدور حکم، ماهیتی نسبی (طرفینی) را دارا است، اما به دلیل کمبود منابع در حوزهٔ مورد بررسی و جایگاه ویژهٔ این مقام در صحنهٔ بین‌المللی، نقشی توسعه ای در اعلام و معرفی اصول کاربردی در حقوق محیط زیست بین‌الملل را دارد (۱۳۸۹/۲۱:ص ۵۲۵). شاید اگر رجوع کشورها به مراجع بین‌المللی برای حل و فصل اختلافاتشان نبود، اساساً امروزه اصولی متقن در زمینهٔ حقوق بین الملل محیط زیست نظیر اصول استفادهٔ غیر زیان بار از سرزمین، پیشگیری، احتیاطی، اطلاع رسانی و. . . که به صورت عرف در نظم بخشی روابط و پیشگیری از بروز مخاصمات نقش دارند، متصور نبود (۱۳۹۴/۲۵:ص ۹).

اصول محیط‌زیست از قبیل: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست، اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده‌کننده محیط زیست، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی در واقع اساس تدوین معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است و در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار[۲۲]به کار می‌آیند. اگرچه درجه الزام‌آوری آنها متفاوت است، اما به این اصول باید در یک مجموعه واحد نگریست چراکه هر اصلی، اصول دیگر را تکمیل می‌کند. از سوی دیگر اصول محیط‌زیستی از این جهت که زیربنای تصویب کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی (حقوق سخت) وبیانیه و اعلامیه‌ها (حقوق نرم) در عرصه بین‌الملل هستند، بعنوان منابع حقوق حائز اهمیت است.

18-Trail Smelter.
19-Lake Lanoux.
20-Gabcikovo-Nagymaros.
21-Pulp Milles(Factories).
22-Sustainable development.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نظرات علمای حقوق بین‌الملل در مورد صلاحیت دولت ها نسبت به رودخانه‌های بین‌المللی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد شامل «اصل حاکمیت مطلق سرزمینی»[۲۳](دکترین هارمون)، «اصل تمامیت مطلق سرزمینی»، [۲۴]«اصل محدودیت استفاده آزاد از آب‌ها»[۲۵]و «اصل حاکمیت مشترک آب‌ها»[۲۶]می‌باشد. این چهار نظریه طبق نظر ولف در دو قالب افراطی و معتدل قابل تقسیم است. بسیاری از ادعاهای رایج برای حقابه بر دو مبنای کلی هیدرولوژی (جائیکه رودخانه یا آبخوان سرچشمه گرفته و میزان روانابی که در یک کشور خاص تولید می‌گردد و یا بر مبنای تقویم (چه کسی طولانی‌ترین زمان استفاده از آب را داشته است) می‌باشد (۱۹۹۹/۴۲:ص۳۰). در این میان نظریه حاکمیت محدود سرزمینی در واقع اجماع و تعادلی بین موضوع حقابه هیدرولوژی و حقابه تقویمی است. به عبارتی هر دولت می‌تواند از آبراه‌های موجود در سرزمین خود استفاده کند، مادام که به منافع دیگر دولت‌های حاشیه رودخانه آسیب جدی وارد نکند. این نظریه اجازه می‌دهد که روابط حسن همجواری دولت‌های مجاور یک آبراهه به نحو بهتری تجلی و ظهور یابد(۱۳۹۱/۱۹:ص ۱۲۵). امروزه این اصل به عنوان یک اصل کلی حقوقی و یک واقعیت جهان کنونی پذیرفته شده است. بررسی قراردادهای بین‌المللی، عقاید علمای حقوق بین الملل، احکام دادگاه های بین‌المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمان های بین‌المللی بیانگر آن است که دولت‌ها دیگر به هیچ وجه اصل حاکمیت ارضی مطلق را قبول ندارند و در مورد رودخانه های بین‌المللی براساس اصل محدودیت استفاده از آب‌ها رفتار می کنند (۱۳۸۸/۲۷:ص ۷۶). مفاد کنوانسیون ۱۹۹۷ نیز منطبق بر نظریه حاکمیت محدود سرزمینی می باشد.

۸- مسئولیت بین المللی دولت ترکیه ناشی از پروژه گاپ

در روند احراز مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه ابتدا باید آن دولت براساس حقوق بین‌الملل تعهد الزام آور و قانونی (معاهده خاص و عام بین‌المللی، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوق بین‌المللی) در این زمینه داشته باشد. در پی اثبات وجود تعهد بین‌المللی مربوطه، دومین رکن این است که عمل تخطی‌آمیزی در قالب فعل یا ترک فعل که منجر به نقض تعهد بین‌المللی ترکیه شود، صورت گرفته باشد. در واقع احراز وقوع عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عنصر اساسی مسئولیت دولت‌ها می‌باشد. سومین رکن، امکان انتساب وضعیت نقض تعهد به دولت است. بدین معنا که آیا عمل تخطی‌آمیز بین المللی عمل دولت مربوطه بوده است؟ در اینجا قاعده انتساب به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، دولت را مسئول عمل تخطی‌آمیز خود می‌داند. در حقوق بین‌الملل برای انتساب عملی به یک دولت، سه عامل مطرح است: رابطه ارگانیک و سازمانی، عنصر نظارت، کنترل و پیوند سرزمینی (۱۳۸۴/۵:ص ۷۹). بنابراین

---

23. The Principle of absolute Territorial Sovereignty.
24. The principle of absobute Territorial integrity.
25. The Principle of Restricting the Free use of the Waters.
26. The Principle of a Community in Waters.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به طور کلی مسئله قابلیت انتساب پروژه گاپ را می توان در دو مرحله خلاصه کرد: ابتدا باید منشأ انسانی فعل یا ترک فعل مشخص شود، سپس رابطه شغلی و کارکردی عامل با دولت و یا کنترل و نظارت دولت بر عمل را اثبات نمود. با طی این دو مرحله اثبات انتساب عمل به دولت ترکیه ممکن می شود و در نهایت باید ثابت نمود که عمل مذکور نقض تعهد بین‌المللی دولت ترکیه است.

باتوجه به عواقب ناگوار پروژه گاپ که در حال حاضر موجب تغییر قابل توجهی از نظر کیفیت و کمیت در جریان رودخانه فرات و به میزان کمتر در رودخانه دجله شده است، به طوری که با افزایش شوری و کاهش حجم آب در پایین دست رودخانه‌ها در کشورهای سوریه و عراق به طور جدی بر کشاورزی و حیات اجتماعی و اقتصادی منطقه تاثیرات نامطلوب گذارده است و با اجرای کامل گاپ عواقب ناگوار آن برای تعداد زیادی از مردم منطقه بسیار حاد و مهمتر خواهد شد و اصرار دولت مردان ترکیه بر اجرای پروژه بدون توجه به عواقب و اعتراضات کشورهای همسایه و حتی مردم منطقه اناتولی، رابطه شغلی و کارکردی عامل با دولت و قابلیت انتساب آن به دولت ترکیه کاملاً مبرهن است. در این رابطه مسئولیت بین المللی دولت ترکیه هم از ناحیه مسئولیت بین‌المللی ناشی اعمال منع نشده (مسئولیت محض) و هم بدلیل نقض تعهدات و یا روح آن و اصول کلی حقوق بین‌الملل از جهات زیر قابل بررسی است.

الف) مجموعه از کنوانسیون‌های حقوق بشری و محیط‌زیستی لازم‌الاجرا برای ترکیه همچون منشور حقوق بشر، کنوانسیون کودک، بیابان‌زدایی، تالاب‌ها و تنوع زیستی

ب) مجموعه‌ای گسترده از موافقت نامه‌ها، معاهدات و پروتکل‌های امضاء شده با همسایگان خود در قرن گذشته

ج) کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد استفاده مشترک از آب رودهای بین‌المللی به ویژه کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی که تعهداتی بین‌المللی کلی برای همه کشورها به لحاظ بیان اصولی بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که بعضاً هم به عرف بین‌الملل تبدیل شده و برای جامعه بین‌المللی الزام آور هستند. مانند:

- وظیفه اطلاع رسانی به کشورهای پایین دست ساحلی یا متاثر از آن
- وظیفه همکاری با دولت های پایین دست ساحلی یا متاثر از آن
- وظیفه مذاکره و مشورت با کشورهای پایین دست ساحلی یا متاثر از آن
- ارزیابی تاثیرات زیست محیطی

د) دستورالعمل«بهترین شیوه» برای اجرای پروژه‌های سدسازی در رودخانه های مشترک، از جمله آنهایی که توسط موسسات مالی بین‌المللی مانند: بانک جهانی و کمیسیون‌های بین‌المللی مانند: کمیته جهانی سدها، کمیسیون جهانی آب و کمیسیون بین المللی سدهای بزرگ ارائه شده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱-۸- مسئولیت بین المللی ترکیه ناشی از نقض معاهدات

مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه در بهترین شکل خود در نقض معاهدات متجلی می‌شود. زیرا هر دولت متعاهدی چنانچه وظایفی را که مکلف به انجام آنها شده به درستی انجام ندهد، می توان از طریق مراجعه به معاهده و استناد به مفاد آن، کشور متخلف را مسئول قلمداد نمود. پیامدهای سوء زیست محیطی ناشی از سدسازی پدیده‌ای جدید است و به ویژه کشورهای توسعه یافته کمتر با این مشکل مواجه بوده‌اند. لذا معاهده‌ای که مستقیماً با آن مرتبط باشد، هنوز منعقد نشده است. علی ایحال در معاهدات حقوق بشری و کنوانسیون‌های زیست‌محیطی لازم الاجرا برای دولت ترکیه که موضوع اصلی آن، انسان و حقوق بنیادین بشر است، مواردی وجود دارد که به صورت غیرمستقیم به پیامدهای سوء زیست محیطی ناشی از سدسازی ارتباط داشته و با استناد به آنها می‌توان تکالیف و تعهدات کشور ترکیه از منظر این اسناد احصاء نمود.

گستردگی موضوعات مربوط به حقوق بشر از یک سو و شمول مسائل زیست محیطی به ویژه تاثیر مستقیم آنها بر کیفیت زندگی و حیات انسان‌ها از سوی دیگر باعث گردیده که خسارات زیست محیطی در بسیاری موارد از طریق مقررات حقوق بشری قابل پیگیری باشند. بدون شک پیامدهای سوء زیست محیطی ناشی از سدسازی های غیراصولی با تاثیر مستقیم بر سلامتی و بهداشت جوامع و حق زندگی و حیات انسان‌ها و. . . ، حقوق بنیادین آنها را که موضوع حقوق بشر می باشد به مخاطره می اندازد. آنچه امروزه از آن به حقوق بشر یاد می شود، معاهدات مختلفی است که پس از جنگ جهانی دوم به تصویب رسیده است (۱۳۹۰/۱۳:ص ۳۷). سازمان ملل متحد مجموع این اسناد و معاهدات را نزدیک به ۲۵ مورد اعلام نموده است. مهمترین این اسناد، «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی»، «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» و پروتکل‌های الحاقی می‌باشند. که مجموع این اسناد تحت عنوان «منشور بین‌المللی حقوق بشر» شناخته می‌شود (۱۳۹۰/۱۳:ص ۴۲). این منشور در موارد متعددی به حق حیات و حق برخورداری از محیط زیست سالم و موضوعات مشابه مربوط به محیط زیست اشاره نموده است. همچنین معاهده حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اهمیت زیادی در این زمینه دارد. بقیه معاهدات مربوط به حقوق بشر به خاطر موضوع خود ارتباطی با محیط زیست نداشته و یا به آن اشاره قابل اغماضی داشته‌اند. معاهدات حقوق بشر امروزه اهمیت زیادی یافته‌اند و روز به روز بر اهمیت آنها و پایبندی کشورها به این معاهدات افزوده می شود. لذا تخطی از معاهدات حقوق بشر روز به روز سخت تر می شود. علاوه بر این معاهدات مذکور برای نظارت بر اجرای خود نهادهایی تاسیس نموده‌اند که به خوبی فعال بوده و ایفای نقش می نمایند. همچنین سازمان ملل متحد نیز برای توسعه حقوق بشر و اطمینان یافتن از اجرای معاهدات مربوطه نهادهایی را ایجاد نموده است. پروتکل میثاق حقوق مدنی و سیاسی به قربانیان نقض حقوق بشر اجازه می‌دهد که علیه دولت‌های عضو شکایت کنند. کمیسیون‌های حقوق بشر منطقه‌ای اروپا، آمریکا و آفریقا اظهار کرده‌اند که آسیب‌های وارده به محیط زیست به عنوان نقض حقوق بشر قابل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

رسیدگی است. در مقام مقایسه در داخل نظام های آمریکایی و آفریقایی، بیشتر صدمات وارده از این ادعا ناشی شده که حق حیات مورد تهدید قرار گرفته است (۱۳۸۱/۱۱:ص ۳۱۷).

کنوانسیون‌های زیادی نیز در عرصه محیط زیست و الودگی‌های مرزگذر شکل گرفته است که عمدتاً از دو اعلامیه استکهلم و ریو الهام گرفته‌اند. در بین معاهدات بوجود آمده، کنوانسیون‌های که با موضوع این پژوهش مرتبط بوده و ترکیه نیز طرف آن است، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدایی در کشورهای که به طور جدی با خشکسالی و بیابان‌زایی مواجه می باشند به ویژه آفریقا، کنوانسیون تالاب‌ها و کنوانسیون تنوع زیستی می‌باشد. یکی از معیارها و مشخصات بارز معاهدات زیست محیطی الزام دولت‌ها به پیشگیری است. این معاهدات بیشتر به جای پرداختن به مسئولیت و عواقب ناشی از عدم اجرای تعهدات و پرداخت خسارت، به پیشگیری و بکار بردن اقدامات احتیاطی پرداخته‌اند، تا جایی که مسئولیت پیشگیری از زیان در این گونه معاهدات بوجود آمده است.

از آنجاکه بیابان‌زایی و خشکسالی از طریق ارتباطات متقابل خود با مسایل مهم اجتماعی مانند فقر، بهداشت و ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی همانند توفان های فصلی و دایمی گرد و غبار بر روی توسعه پایدار اثر نامطلوب می‌گذارد، کنوانسیون بیابان‌زدایی در بند ب - ماده ۹ از طرف‌های کنوانسیون خواسته است با روح همبستگی بین‌المللی و مشارکت، همکاری و هماهنگی را در سطوح منطقه‌ای، زیرمنطقه‌ای و بین‌المللی بهبود بخشیده و منابع مالی، انسانی، تشکیلاتی و فنی را در جایی که ضرورت دارد، متمرکز نمایند. همچنین در بند پ - ماده۴ بر همکاری زیرمنطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی بین کشورهای مبتلابه در زمینه‌های حمایت محیط‌زیست که مربوط به بیابان‌زایی می باشد، تاکید شده است. وجود این عبارت بیانگر نقش مهم و اساسی اصل همکاری و حسن همجواری است که به عقیده کنوانسیون حل معضل بیابان زایی تنها از طریق همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای عضو قابل حل می‌باشد و کوتاهی و بی‌توجهی کشورهای عضو در این خصوص موجب مسئولیت آنها خواهد شد. طبق ماده ۱ کنوانسیون؛ «بیابان زای به معنی تخریب سرزمین. . . ناشی از عوامل مختلف از جمله تغییرات آب و هوا و فعالیت‌های انسانی می‌باشد» و «تخریب سرزمین به معنی کاهش یا از دست رفتن توان تولید زیست شناسی یا اقتصادی. . . ناشی از فعالیت‌های انسانی و شیوه‌های سکونتی می‌باشد». با این اوصاف بدیهی است که پروژه گاپ که از زمره فعالیت‌های انسانی می باشد و باتوجه به اینکه این پروژه باعث تخریب سرزمین به معنی کاهش یا از دست رفتن توان تولید زیست شناسی و اقتصادی در پایین دست رودهای دجله و فرات در عراق و سوریه شده به نحوی که با خشکیدن تالاب‌ها و مراتع اطراف آن به کانون‌های فعال گرد و غبار تبدیل شده است و اکنون حیات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بخش مهمی از خاورمیانه را مورد تهدید قرار داده و طبق بیانات گذشته خسارات زیادی را برمحیط زیست منطقه و جوامع بومی و محلی تحمیل نموده، مبرهن است که این گونه اقدمات یک جانبه در تضاد کامل با اهداف کنوانسیون بیابان‌زدایی بوده و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کنوانسیون تالاب‌ها یکی دیگر از معاهدات قابل استناد در این زمینه می‌باشد. هدف اصلی کنوانسیون رامسر تحقیق و حفاظت و ممانعت از روند خشک شدن تالاب‌ها با تأکید بر حمایت از آنها و بهره‌وری معقول در طولانی مدت از منابع تالابی می‌باشد. استفاده معقول از تالاب ها که در زمره اهداف کنوانسیون رامسر قرار دارد به معنی حفظ ماهیت اکولوژیکی تالاب‌ها با اجرای شیوه‌های اکوسیستمی و در چارچوب توسعه پایدار میسر می گردد. بنابراین اساس کاربرد معقول، حفاظت و استفاده پایدار از تالاب‌ها و منابع آنها به نفع کل بشریت است. یکی از محورهای کنوانسیون رامسر که شامل کشورهای ترکیه، عراق و سوریه به عنوان طرف‌های متعاهد می شود، همکاری‌های بین‌المللی در ارتباط با تالاب های فرامرزی، تالاب های مشترک، گونه‌های مشترک، و برنامه‌های توسعه موثر بر تالاب‌ها است. براساس ماده- ۵ کنوانسیون: «طرف‌های متعاهد درباره اجرای وظایف ناشی از کنوانسیون حاضر بالاخص در مورد تالابی که در سرزمین‌های بیش از یک طرف متعاهد واقع است و یا در مواردی که یک حوضه آب بین چند طرف متعاهد تقسیم شده است با یکدیگر مشورت خواهند نمود. در عین حال طرف های متعاهد در زمینه هماهنگ نمودن و حمایت مجدانه از سیاست‌ها و مقررات فعلی و آتی خود مربوط به حفظ و حراست تالاب‌ها، نباتات و حیوانات بومی آنها اهتمام خواهند نمود.» این ماده به صراحت به وظیفه مشورت دولت‌های متعاهد در مورد حوزه مشترک پرداخته است و هرگونه استنکاف از درخواست مشورت از یک طرف متعاهد از سوی طرف متعاهد دیگر، موجب مسئولیت دولت مستنکف می‌شود که در این رابطه بارها دولت‌های سوریه و عراق از عدم مشورت دولت ترکیه در رابطه با طرح‌های خود در این حوزه علیرغم درخواست خود گفته‌اند. طرح‌های که باعث شده تالاب بین‌المللی هورالعظیم در شرف نابودی قرار گیرد و معضلات عظیمی را برای مردم و محیط زیست منطقه به دلیل عدم همکاری دولت ترکیه ایجاد کند.

در هیدروپلتیک دولت ترکیه که هیچ گونه ارزیابی استراتژیک اثرات زیست محیطی و موضوع اثرات فرامرزی فعالیت‌های عمرانی دیده نشده است، باعث تغییر شرایط طبیعی اکوسیستم های مناطق پشت سد و مناطق تحت تاثیر پس از تاج سد می‌شود که به شدت در معرض تخریب و خطر انقراض قرار گرفته‌اند که بر این اساس سیاست‌گذاری آب در ترکیه با کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از تنوع زیستی که ترکیه هم جزء طرف‌های متعاهد کنوانسون است، مغایرت کامل دارد. با وجود اینکه طبق ماده ۳– کنوانسیون، دولت‌ها براساس منشور ملل‌متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بر استفاده از منابع خود برابر سیاست‌های زیست‌محیطی خود می‌باشند، ولی موظف‌اند یقین حاصل نمایند که فعالیت‌های انجام شده در قلمرو یا در مناطقی تحت کنترل شان موجب صدمه به محیط زیست سایر کشورها نمی‌شود. لذا در این ماده صراحتاً به یقین داشتن به عدم زیان به محیط زیست کشورهای دیگر ناشی از استفاده از منابع خود اشاره دارد و هیچ کشوری خصوصاً ترکیه نمی‌تواند به بهانه استفاده از منابع خود به دیگر کشورها آسیب برساند. علاوه بر آن، طبق ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی۱۹۹۲ «هر یک از کشورهای عضو بایستی برای حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری نمایند». با توجه به مفاد مذکور مبرهن است که این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کنوانسیون بر رعایت اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همچون اصل همکاری، اصل حفاظت از محیط زیست، اصل ارزیابی، اصل جلوگیری، اصل اطلاع رسانی و اصل احتیاطی در زمینه فعالیت های تحت صلاحیت یا کنترل خود که احتمالاً اثرات زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر تنوع زیستی سایر کشورها یا مناطق ماورای قلمرو داخلی آن دارد، تاکید بسیاری کرده است.

ترکیه همچنین تنها کشور موجود در حوضه دجله و فرات است که در کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل‌متحد به قانون استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۷ رای منفی داد. لذا ترکیه معتقد است که این کنوانسیون بر آن کشور اعمال نمی‌شود و به همین دلیل از لحاظ قانونی برای آن کشور لازم الاجرا نیست (۲۰۰۰/۳۹:ص ۱۲۳). اما مقررات حقوقی مطرح شده در این کنوانسیون به عنوان تنها کنوانسیون جامع بین‌المللی در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست دریاچه ها و آبراه‌های بین المللی به دو طبقه قابل تفکیک می‌باشند: اصول کلی حقوقی که برای همه تابعان حقوق بین‌الملل لازم الاجرا است و دیگر قواعد مربوط به حفظ، نگهداری و مدیریت آبراه‌های بین‌المللی می باشد. در این کنوانسیون بسیاری از اصول حقوقی مطرح درحقوق بین‌الملل محیط‌زیست از قبیل اصل«بهره برداری و استفاده منطقی و منصفانه از منابع»، اصل «ممنوع بودن وارد آوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» و اصل «همکاری بین‌المللی» تدوین شده است که اکنون جزء قواعد عرفی حقوق بین‌الملل محیط زیست است و برای تمام دول متعاهد و غیرمتعاهد الزام اور است و نقض آن مسئولیت بین‌المللی آنها را در پی دارد و این موضوع کاملاً در رویه قضایی بین المللی اثبات شده است، زیرا قبل از ارائه کنوانسیون در سال۱۹۹۷ و قبل از اجرایی شدن آن، قواعد کلی و مهم آن به صورت حقوق عرفی توسط محاکم داوری و سازمان های بین‌المللی مورد استفاده قرارگرفت. به طور مثال چهارماه پس از ارائه کنوانسیون در سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضاوت خود در مورد پروژه گابسیکو- ناگیماروس به آن استناد کرده و در رای خود از سه مورد از الزامات آن مشتمل بر استفاده منصفانه و معقول، عدم آسیب‌رسانی جدی و اطلاع‌رسانی قبلی از اقدامات برنامه‌ریزی شده به عنوان قوانین عرف بین‌الملل یاد می کند (۱۳۹۴/۱۹:ص ۱۳۲-۱۳۳). لذا دولت ترکیه به بهانه عدم تصویب و الحاق به آن نمی‌تواند از رعایت اصول بنیادین آن شانه خالی کند آسیب‌های ناشی از پروژه گاپ بر کشورهای حوزه، موجب مسئولیت آن کشور است.

علاوه بر معاهدات حقوق بشری و زیست محیطی، مجموعه از موافقت نامه‌های مشترک در مورد مسائل آب رودخانه‌های دجله و فرات شامل «توافقنامه لوزان»، [۲۷]«پروتکل تورکو- فرانکو»، [۲۸]«پروتکل همکاری فنی و اقتصادی»[۲۹]و پیمان دوستی و مودت از سال۱۹۲۰ بین سه کشور ترکیه، عراق و سوریه بصورت دوجانبه وجود دارد که در تمام آنها به گونه‌ای بر ضرورت همکاری و مشورت در خصوص

27-The Lausanne agreement.

28-The Turko-French Protocol.

29-The protocol for technical and economic cooperation.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

استفاده از طرح‌های مورد نظر روی رودخانه های دجله و فرات موافقت کرده‌اند. به عنوان مثال طبق ماده ۱۰۹ توافقنامه لوزان، ترکیه باید قبل از انجام کارهای هیدرولوژیکی با دولت عراق مشورت کند (/۲۰۱۳:ص ۶۲۶)' که باتوجه به نقض گسترده این تعهدات، مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه اشکار است.

۲-۸- مسئولیت بین المللی ترکیه ناشی از اعمال منع نشده

مسئولیت محض بعد از وقوع یک حادثه زیانبار عمده به طور خود به خود مسئولیت جبران خسارت را بر کشور عامل آلودگی بار می نماید (۱۳۸۰/۱۲:ص ۷۸). مطابق نظریه جدید مسئولیت برای اعمال منع نشده این نظریه صرف ورود خسارت از سوی یک کشور به کشور دیگر برای ایجاد مسئولیت کافی است، با توجه به ویژگی مرزگذر بودن پیامدهای سوء ناشی از سدسازی‌های بی‌رویه در رودخانه‌های بین المللی به نظر می‌رسد که کشورها موظفند نهایت تلاش خود را در زمینه همکاری با یکدیگر در جهت کاهش اثرات و جلوگیری کامل این پدیده از طریق وضع قوانین داخلی موثر و اجرای برنامه های کاربردی داخلی و منطقه‌ای انجام دهند. اگرچه عرف بین‌المللی تا اندازه ای قواعد مسئولیت را بیان داشته است، اما به نظر می رسد وجود موافقتنامه چند جانبه‌ای در مورد مسئولیت کشورها در قبال فعالیت‌های دارای اثار سوء زیست محیطی فرامرزی، ضروری به نظر می رسد.

می توان تحت چهار شرط:

الف) وقوع یک فعالیت صنعتی، کشاورزی، تکنولوژیکی و به طور کلی وجود یک عامل و فعالیت انسانی که در حقوق بین‌الملل منع نشده است در قلمرو سرزمین و تحت صلاحیت و یا کنترل یک دولت،

ب) بروز یک خسارت مادی و فیزیکی بالاتر از سطح استانداردهای بین‌المللی در زمان اجرا و یا اتمام فعالیت خطرناک منع نشده مورد نظر،

ج) فرامرزی بودن خسارات وارده،

د) احراز رابطه سببیت بین خسارت وارده با فعالیت مورد نظر، مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه ناشی از فعالیت‌های مشروع (سدسازی) را احراز نمود. همچنین باتوجه به اینکه هدف از طرح مسئولیت در موضوعات زیست محیطی، جبران خسارت می باشد،

استناد به مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای دستیابی به چنین هدفی ما را با محدودیت‌های بسیاری مواجه می‌سازد. در عوض رجوع مسئولیت بین‌المللی برای اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل در راستای احراز مسئولیت بین‌المللی ضمن سهل‌تر بودن مسیر، خیلی به مقصود نزدیکتر می‌باشد. زیرا در این خصوص صرف اثبات ورود خسارت و اثبات رابطه سببی بین خسارت وارده و عمل دولت منشاء خسارت برای تحمیل نمودن مسئولیت بر دولت منشاء خسارت کافی است که در رابطه با پروژه گاپ نیز طبق مباحث گذشته هم ورود خسارت شدید و هم رابطه سببیت میان فعالیت و دولت مجری محرز می‌باشد. با وجود اینکه در عصر حاضر این امر به عنوان یک اصل کلی مورد پذیرش همگان است که تعهد به جبران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

خسارت فرامرزی ناشی از اعمال منع نشده یک تعهد بین‌المللی برای همه دولت‌ها است، اما چنین اصلی در مرحله اجرا با کاستی‌ها و نواقص بسیاری روبرو می‌باشد. نواقصی که به ماهیت فعالیت‌های منع نشده (خطرناک)، خسارات ناشی از آن، عدم تمایل دولت‌های قربانی چنین خساراتی به مطرح نمودن دعاوی مسئولیت بین‌المللی در اغلب موارد باز می‌گردد.

نتیجه:

توسعه حقوق بین‌الملل باعث شده است دولت‌ها دیگر فعال مایشاء در صحنه بین‌المللی نبوده و باید در قبال اعمالی که مرتکب می‌شوند، پاسخگو باشند. هنر پاسخگویی در برابر این اعمال، مسئولیت دولت نام گرفته است. مسئولیت دولت‌ها به خاطر اعمالی که در روابط بین‌المللی مرتکب می‌شوند و یا به دلیل آثاری که اعمال انجام شده در حیطه حاکمیتی آنها بر روی سایر کشورها بر جای می‌گذارد، مورد توجه قرار گرفته است. لذا مسئولیت دولت‌ها یا ناشی از نقض تعهداتشان می‌باشد و یا به این علت است که اعمالی را که انجام داده‌اند، اگرچه در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده شده است، ولی موجب زیان به دولت‌های دیگر شده است. براساس این پژوهش، در حال حاضر معاهدات و قواعد بین‌المللی که بطور مستقیم مربوط به احداث سد و مسدودسازی مسیر آب‌های فرامرزی که بتوان به طور مستقیم مسئولیت دولت ترکیه را در قبال سدسازی‌های غیراصولی و مخرب احراز و اثبات نمود، وجود ندارد. بلکه این مسئولیت به صورت غیرمستقیم از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال منع نشده و رویه قضایی قابل استخراج است.

علیرغم اصرار و ادعای دولت ترکیه مبنی بر اینکه رودخانه‌های دجله و فرات رودخانه‌های بین‌المللی نیستند و آنها نباید تحت قوانین بین‌المللی قرار گیرند، باتوجه به تعریفی که از رودخانه بین‌المللی براساس بند اول - ماده یک کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ و کنوانسیون مربوط به حقوق استفاده‌های غیرکشیترانی از آبراه‌های بین‌المللی نیویورک ۱۹۹۷، در زمره رودخانه‌های بین‌المللی و تحت حاکمیت مشترک کشورهای این حوزه قرار می‌گیرد و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در حکم خود در قضییه گابسیکوو- ناگیماروس که چکسلواکی (اسلواکی) اقدام به انحراف یک جانبه رودخانه دانوب کرده و سبب تخریب تالاب‌های منطقه، آلودگی منابع آب و خشک شدن مراتع و جنگل‌ها شده بود، با توجه به اصل استفاده منصفانه و معقول به عمل غیرقانونی اسلواکی اذعان و از آن به عنوان «کنترل یک جانبه یک منبع مشترک و در نتیجه محرومیت مجارستان از حق خود از یک سهم منصفانه و معقولانه از منابع طبیعی دانوب دانسته است» و در راستای استدلال کشور اسلواکی که نیاز به توسعه و استفاده از منابع ملی و حاکمیتی بود، دیوان اصل توسعه پایدار را مورد تأکید و حکم قرار داده است (۱۴:۱۳۹۴/۲۵). همچنین دیوان بدین اصل در حکم خود در سال ۲۰۱۰ در اختلافات کارخانه‌های خمیر کاغذ مجاور رودخانه مایلز[۳۰] که میان آرژانتین و

30Mills

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اروگوئه بود نیز اشاره کرد. دیوان اعلام کرد که «یک تعادل باید بین حقوق و نیازهای طرفین در مورد استفاده از این رودخانه برای اهداف اقتصادی و تجاری و تعهد به حفاظت آن از هر آسیب زیست محیطی ممکن ناشی از چنین فعالیتی ایجاد شود» (۱۳۹۴/۲۰:ص ۷۹). بنابراین طبق تعاریف حقوقی موجود رودهای دجله و فرات در زمره رودخانه‌های بین‌المللی قرار می گیرند و دولت ترکیه نمی تواند به صورت یکجانبه و بدون مشورت و جلب رضایت کشورهای سوریه و عراق بعنوان کشورهای پایین دست نسبت به تغییرات زیانبار زیاد در جریان این رودها اقدام کند و هرگونه اقدامی که در این رابطه موجب خسارت شدید به این کشورها شود، براساس اصل الزام به مراقبت و پیشگیری از وقوع خسارت زیست‌محیطی، ارزیابی آثار زیست محیطی، استفاده منصفانه و معقول از آبراه، عدم آسیب رسانی جدی و اطلاع رسانی قبلی، مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه را در پی خواهد داشت.

همچنین براساس بررسی اسناد و اصولی بنیادن الزام‌آور برای دولت ترکیه مشخص شد که این دولت در حال نقض تعهدات و یا روح مفاد آنها به شرح زیر است،

(الف) مجموعه‌ای گسترده از موافقت نامه‌ها، معاهدات و پروتکل‌های امضا شده با همسایگان خود در یک قرن گذشته مثل توافقنامه لوزان ۱۹۲۳، پیمان دوستی و مودت ۱۹۲۶، پروتکل همکاری فنی و اقتصادی ۱۹۸۰ و. . . که در تمامی موارد به همکاری و اطلاع رسانی در استفاده از حوضه آبی این رودها توافق شده است.

(ب) کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد استفاده مشترک از آب رودهای بین‌المللی به ویژه کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد استفاده غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی که تعهداتی بین‌المللی کلی برای همه کشورها حتی کشورهای مثل ترکیه که کنوانسیون را تصویب نکرده‌اند به لحاظ بیان اصولی بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست که بعضاً هم به عرف بین‌الملل تبدیل شده و برای جامعه بین المللی الزام‌آور هستند مانند:

- وظیفه استفاده منصفانه و معقول از آبراه بین‌المللی
- وظیفه همکاری با دیگر کشورهای حوزه
- وظیفه عدم آسیب‌رسانی جدی به آبراه بین‌المللی
- وظیفه اطلاع‌رسانی به کشورهای پایین دست ساحلی یا متاثر از آن
- وظیفه مذاکره و مشورت با دولت‌های پایین دست ساحلی یا متاثر از آن
- وظیفه ارزیابی تاثیرات زیست‌محیطی پروژه‌ها قبل از اجرای آن

(ج) نقض مفاد و روح کنوانسیون بیابان‌زدایی خصوصاً بند ب - ماده ۹ که از طرف‌های کنوانسیون خواسته است با روح همبستگی بین‌المللی و مشارکت، همکاری و هماهنگی را در سطوح منطقه‌ای، زیرمنطقه‌ای و بین‌المللی بهبود بخشیده و منابع مالی، انسانی، تشکیلاتی و فنی را در جایی که ضرورت دارد، متمرکز نمایند. همچنین بند پ - ماده۴ که بر همکاری زیرمنطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی بین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کشورهای مبتلابه در زمینه های حمایت محیط زیست که مربوط به بیابان زایی می‌باشد. وجود این عبارات بیانگر نقش مهم و اساسی اصل همکاری و حسن همجواری است که به عقیده کنوانسیون، حل معضل بیابان‌زایی تنها از طریق همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای عضو قابل حل می‌باشد و کوتاهی و بی‌توجهی کشورهای عضو در این خصوص موجب مسئولیت آنها خواهد شد، چرا که کنوانسیون به صراحت اعضاء را به همکاری برای مدیریت پایدار منابع مشترک فرامرزی ملزم نموده است.

(د) نقض مفاد و روح کنوانسیون تالاب هاد (رامسر) خصوصاً ماده- ۵ کنوانسیون که اشاره دارد: «طرف‌های متعاهد درباره اجرای وظایف ناشی از کنوانسیون حاضر بالاخص در مورد تالابی که در سرزمین‌های بیش از یک طرف متعاهد واقع است و یا در مواردی که یک حوضه آب بین چند طرف متعاهد تقسیم شده است با یکدیگر مشورت خواهند نمود. در عین حال طرف‌های متعاهد در زمینه هماهنگ نمودن و حمایت مجدانه از سیاست‌ها و مقررات فعلی و آتی خود مربوط به حفظ و حراست تالاب‌ها و نباتات و حیوانات بومی آنها اهتمام خواهند نمود.» این ماده به صراحت به وظیفه مشورت دولت‌های متعاهد در مورد حوزه مشترک پرداخته است و هرگونه استنکاف از درخواست مشورت از یک طرف متعاهد از سوی طرف متعاهد دیگر، موجب مسئولیت دولت مستنکف می‌شود. لذا با توجه به اعتراض‌های مکرر دولت‌های سوریه و عراق مبنی بر عدم مشورت، مذاکره و اطلاع‌رسانی قبلی دولت ترکیه و آسیب جدی به تالاب‌های منطقه، نقض این مفاد محرز می باشد.

(ه) نقض مفاد و روح کنوانسیون تنوع زیستی، طبق ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی۱۹۹۲ «هر یک از کشورهای عضو بایستی برای حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری نمایند». همکاری هر یک از کشورهای عضو باید تا حد امکان و به گونه‌ای مناسب با سایر کشورهای عضو به طور مستقیم و یا در موارد لازم به واسطه سازمان‌های بین‌المللی مربوطه، در مناطق خارج از حوزه قانونی خود و یا سایر موضوعات مورد علاقه دو طرف برای حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری کنند. برابر با ماده ۶- نیز هر یک از کشورهای عضو بر اساس شرایط و توانایی‌های خاص خویش باید استراتژی ها، طرح‌ها و برنامه‌های ملی را برای حفاظت و بهره‌گیری پایدار از تنوع زیستی تنظیم نموده و یا استراتژی ها، طرح ها و برنامه‌های موجود را به گونه‌ای اصلاح کند که منعکس‌کننده اقدامات تعیین شده در این کنوانسیون در رابطه با کشورهای عضو باشد و باید تا حد امکان و به نحو مقتضی حفاظت و بهره‌گیری پایدار از تنوع‌زیستی را در طرح ها، برنامه‌ها و سیاست‌های بخشی یا میان بخشی مربوط به خود بگنجاند.

بر اساس ماده ۱۴ کنوانسیون نیز هر یک از کشورهای عضو در حد امکان و به گونه‌ای مناسب، باید روش‌های مناسب ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های خود را که ممکن است اثرات زیانبار قابل توجهی بر تنوع زیستی داشته باشند با هدف اجتناب از ایجاد چنان تأثیراتی در پیش گرفته و مشارکت مردمی را آن گونه که باید در این روش‌ها در نظر بگیرند و اقدامات لازمی را جهت تضمین جبران پیامدهای زیست محیطی آن دسته از برنامه‌ها و سیاست‌های که اثرات زیانباری بر تنوع زیستی‌دارند، انجام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دهند و در زمینه فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل خود که احتمالاً اثرات زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر تنوع‌زیستی سایر کشورها یا مناطق ماورای قلمرو داخلی آنها دارند بر اساس رفتار متقابل و با عقد قراردادهای دو جانبه، منطقه‌ای یا چند جانبه مناسب، ارائه و تبادل اطلاعات و مشاوره را تشویق کنند. همچنین در صورت بروز خطر یا خسارت آنی یا کشنده برای تنوع زیستی در منطقه تحت صلاحیت یا کنترل سایر دولت‌ها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی خود فوری دولت‌هایی را که به طور بالقوه در معرض خطر قرار می‌گیرند، آگاه کرده و اقدامات لازم برای جلوگیری یا کاهش خطرات وخسارت یاد شده را آغاز کند. با توجه به مفاد مذکور مبرهن است که این کنوانسیون بر رعایت اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همچون اصل همکاری، اصل حفاظت از محیط‌زیست، اصل ارزیابی، اصل جلوگیری، اصل اطلاع‌رسانی و اصل احتیاطی در زمینه فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل خود که احتمالاً اثرات زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر تنوع زیستی سایر کشورها یا مناطق ماورای قلمرو داخلی آن دارد، تاکید بسیاری کرده است و کشورهای متعاهد که ترکیه، سوریه و عراق هم را شامل می شود، ملزم به رعایت آن هستند و باتوجه به اینکه در پروژه گاپ هیچ کدام از این اصول علیرغم درخواست های مکرر دولت‌های سوریه و عراق رعایت نشده است، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه است.

(و) نادیده گرفتن حق بر محیط زیست سالم و برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی که در کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.

(ز) رعایت نشدن اصل پیشگیری و احتیاطی توسط دولت ترکیه با اتکای به عدم رعایت و توجه به دستورالعمل «بهترین شیوه‌ی» اجرای پروژه‌های سدسازی در رودخانه‌های مشترک، از جمله دستورالعمل‌های که توسط موسسات مالی بین‌المللی مانند: بانک جهانی و کمیسیون‌های بین‌المللی مانند: کمیته جهانی سدها، کمیسیون جهانی آب و کمیسیون بین‌المللی سدهای بزرگ ارائه شده است.

علاوه بر امکان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه با عنوان مسئولیت مبتنی بر تقصیر که ناشی از نقض اصول، مفاد و روح تعهدات بین‌المللی آن دولت در قبال کنوانسیون‌های حقوق بشری و زیست محیطی می‌باشد، تحت شرایطی و فراهم آوردن مقدماتی که قبلاً بحث شد، می‌توان مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه ناشی از فعالیت‌های مشروع یا منع نشده (سدسازی) را مطرح نمود. اما علیرغم وجود چنین رژیم حقوقی در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارت برای صدمات برون مرزی، بسیاری از مفاهیم همانند تعریف خسارات، سطحی که این خسارات مسئولیت به دنبال می‌آورند، مفهوم مسئولیت دولت، ماهیت جبران خسارت و از همه مهمتر ضمانت‌های اجرایی، نیاز به روشن شدن بیشتر دارند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

۱- ابراهیم گل، علیرضا، (۱۳۹۴)، مسئولیت بین‌المللی دولت، ترجمه متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات موسسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.

۲- بله سو، رابرت و بوسچک، بولسلاو، (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۳- جلالیان، عسکر، (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران، انتشارات دانش گستر.

۴ - داراب پور، مهراب، (۱۳۸۷)، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، تهران، انتشارات مجد.

۵- زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۴)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت، مسئولیت و مصونیت، تهران، مؤسسه پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۶ - ساعد، نادر، (۱۳۸۹)، حقوق زیست‌محیطی بشر، تهران، نشر دادگستر.

۷ - ضیایی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.

۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی، تهران، انتشارات یلدا.

۹- فرشاد گهر، ناصر، (۱۳۶۷)، نظام حقوق رودهای بین‌المللی و اروند رود، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۰- کارو، دومینک، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل در عمل، ترجمه مصطفی تقی زاده، تهران، نشر قومس.

۱۱- گوندلینگ، لوتار و دیگران، (۱۳۸۱)، حقوق محیط‌زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲- موسوی، سیدفضل الله، (۱۳۸۰)، حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران، نشر میزان.

۱۳- مهرپرور، حسین، (۱۳۹۰)، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات.

۱۴- پورهاشمی، سیدعباس، نعمتی، اکرم و حیدری، فلورا، (۱۳۹۲)، «رژیم حقوقی حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی با تأکید بر تنگه هرمز»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره۲۰، پاییز و زمستان، صص ۱۰۲-۸۷.

۱۵- پیشگاه هادیان، حمید و حجازی، سید علیرضا، (۱۳۸۹)، «چالش‌های مشترک هیدروپولیتیک ایران با عراق و افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مطالعه موردی اروند و هیرمند»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۲۷-۱.

۱۶- رضایی، صالح، (۱۳۸۹)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری زیان‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره۴۰، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۲۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱۷ - رضائی، علی و جلالیان، عسکر، (۱۳۹۶)، «نفوذ بیانیه استکهلم۱۹۷۲ در روند آموزش و نهادینه شدن اصول و مفاهیم حاکم بر محیط‌زیست در حوزه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، سال ششم، شماره دوم، زمستان، صص ۱۰۰-۸۳.

۱۸ – شمشیری، سیروس، جعفری، رضا، مهرابی، شهباز و بابا محمدی، مرجان، (۱۳۹۱)، «معرفی مدل‌های شبیه‌سازی و پیش‌بینی طوفان ریزگردها»، اولین همایش ملی بیابان، تهران، مرکز تحقیقات بین‌المللی بیابان دانشگاه تهران صص ۲۶-۱۳.

۱۹ - شولی، علیرضا، وطن فدا، جبار و آوریده، فریبا، (۱۳۹۴)، «بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین و معاهدات بین‌المللی آبهای مرزی»، فصلنامه علمی- ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز، سال ششم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۱.

۲۰- شیرازیان، شیرین و خطیبی، عطیه، (۱۳۹۴)، «حقوق بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراه‌های بینالم‌لی با نگاهی به توسعه پایدار»، مجله پایداری، توسعه و محیط زیست، شماره۴، صص ۸۵-۷۳.

۲۱ - عابدینی، عبدالله، (۱۳۸۹)، «ملاحظاتی پیرامون نظریه مشورتی کوزوو۲۰۱۰»، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال نهم، بهار- تابستان، شماره ۱۷، صص ۵۲۶-۴۹۹.

۲۲ - عصاری، مهتاب، (۱۳۹۴)، «پروژه GAP آتشی زیر خاکستر(سدسازی های بی رویه در آناتولی ترکی)»،گزارش هیات حسابرسی‌زیست محیطی و توسعه پایدار معاونت فنی و حسابرسی عمومی و اجتماعی، دیوان محاسبات کشور، صص ۱۲-۱.

۲۳ - فقیه حبیبی، علی، (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی دولت ها ناشی از خسارت زیست محیطی از جنگ»، فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶، تابستان، صص ۱۳۴-۹۷.

۲۴- مشهدی، علی و شاه حسینی، عطیه، (۱۳۹۵)، «پیشگیری از خسارات زیست محیطی در پرتو طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر پیشگیری از آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره۴۶، شمارهٔ ۲، صص ۲۹۵-۲۷۳.

۲۵ - موسوی، سیدفضل‌الله، حسینی، سید حسین و موسوی فر، سیدحسین، (۱۳۹۴)، «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره، ۴۸، پاییز، صص ۲۵-۹.

۲۶ - موسی زاده، رضا و عباس‌زاده، مرتضی، (۱۳۹۵)، «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، صص ۱۸۴-۱۵۹.

۲۷ - ولدانی، اصغرجعفری، (۱۳۸۸)، «استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان، صص ۶۳-۹۲.

۲۸- هیگنز، روزالین، (۱۳۸۵)، «دیوان بین المللی دادگستری، موضوعات منتخب درباره مسئولیت»، ترجمه علی قاسمی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۴، صص ۱۲۹-۱۱۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲۹- بیگم مجابی، صدیقه، (۱۳۵۳)، «کلیاتی درباره رژیم حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، مرکز مطالعات عالی و بین المللی دانشگاه تهران.

۳۰- پو، ایوب، (۱۳۹۱)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از فعالیت‌های خطرناک فرامرزی در چارچوب طرح ILC»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور مرکز تهران.

۳۱- چابک، مهدی، (۱۳۹۲)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آلودگی فرامرزی ناشی از ریزگردها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور مرکز تهران.

32- Hanqin, Xue, (2003), Transboundary Damage in International Law, ,First Edition, Published by the Press Syndicate University of Cambridge, Cambridge.

33- Flogl, W. , (2011), The History of the World Register of Dams, International Commission on Large Dams, Annual Report.

34- Sahan, E. , Mason, S. , Gilli, A. , Zogg, A. , (2000), Southeastern Anatolia Project in Turkey – GAP, Swiss Federal Institute of Technology Zurich.

35- Soffer, A. ,Trans. M. R. , and Nina, C. , (1999), Rivers of Fire: The Conflict over water in the Middle East, Oxford: Rowman and Littlefield.

36- Williams, P. , (2012), Euphrates and Tigris Waters – Turkish-Syrian and Iraqi Relations, in Dhirendra K. Vajpeyi (ed.). Water Resource Conflicts and International Security: A Global Perspective. Lexington Book: Plymouth, UK.

37- Yearbook of International law commission,1980, part2, P. 256.

38- Al-Ansari, N. A. , Knutsson, S. and Ali, A. , (2012). "Restor- ing the Garden of Eden, Iraq", Journal of Earth Science and Geotechnical Engineering, Vol. 2, No. 1.

39- Gruen, G. E. , (2000), "Turkish Waters: Source of Regional Conflict of Catalyst for Peace?" , Water, Air, and Soil Pollution, P. 123,

40- Naiman, R. J. , Bunn, S. E. , Nilsson, C. , Petts, G. E. , Pinay, G. and Thompson, L. C. , (2002), " Legitimizing Fluvial Ecosystems as Users of Water: An Overview", Environmental Managemen, Vol. 30, No. 4.

41- Wolf, A. T. , (2007), "Shared waters: conflict and cooperation", Annual Review of Environmental Resources, Vol. 32, No. 3.

42- Wolf, A. T. , (1999), "Criteria for equitable allocations: the heart of international water conflict", Natural Resources Forum, 23(4).

43- MacQuarrie, P. , (2004), "Water Security in the Middle East, Growing Conflict over Development in the Euphrates-Tigris Basin", M. Phil Thesis, Trinity College, Dublin, P. 20.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

44- ESCWA (Economic and Social Commission for Western Asia) Inventory of Shared Water Resources in Western Asia, Salim Dabbous Printing Co. , Beirut, Lebanon, 2013.
45- United Nations reports of international arbitral awards, Vol. 3, 1949.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]